گزارش راهبردی

پرونده ویژه

انتخابات کنگره آمریکا و کنست اسرائیل؛
روندها و سناریوهای پیش‌رو

زمان سمینارها: ۱۸ الی ۲۳ مهرماه ۱۴۰۵



اندیشکده ایران آینده

ارائه دهندگان

حسین هوشمند
کارشناس مسائل آمریکا

سید مصطفی موسوی
کارشناس مسائل آمریکا و اروپا

مهدی آشنا
کارشناس روابط بین‌الملل

ثمانه اکوان
کارشناس مسائل آمریکا

عرفان علمشاهی
کارشناس مسائل آمریکا

حامد سروری
پژوهشگر ارشد حکمرانی

محمدمهدی عباسی
کارشناس مسائل آمریکا

احسان کیانی
کارشناس حوزه افکارسنجی

علیرضا مجیدی
کارشناس مسائل غرب آسیا

سید محمدجعفر رضوی
کارشناس مسائل فلسطین

سلمان رضوی
کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی

منصور براتی
کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی

سهیل کثیری نژاد
کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی

بهنام مجدی زاده
کارشناس مسائل غرب آسیا

با تشکر از مشارکت‌کنندگان

سعید غفاری

غلامرضا گودرزی

بردیا عطاران

محمدهادی راجی

امیرحسین رهبر

محمد مسرور

محمد شمس‌الدینی

مهدی حسنوند

علی مسافری ضیاءالدینی

محمدعلی رحیمی نژاد

امیررضا باقرپور شیرازی

میثم بهارلو

محمد حسین قدمی

حمیدرضا متأله

سرکار خانم محمدی جمال

سرکار خانم دارائی

امیرحسین عبدل‌نژادی

امیرحسن نصیری پور

محمدرضا قشقایی

امیررضا میرساداتی

سرکار خانم طاعتی

سرکار خانم حیدری

محمد قاسم زاده

فهرست مطالب

تقدیرنامه ۱
فهرست ۲
خلاصه مدیریتی ۳
مقدمه ۵
اهمیت بررسی دو رقابت ۶
اهمیت انتخاب کنگره ۷
اهمیت انتخاب کنست ۹
اهمیت دوره های انتقالی ۱۰
توصیف وضعیت رقابت کنگره ۱۱
توصیف رقابت در سنا ۱۲
سناریو های رقابت کنگره ۱۴
پیامد های سناریو های کنگره برای ایران ۱۷
توصیف وضعیت رقابت انتخابات کنست ۲۰
سناریو های رقابت کنست ۲۴
جمعبندی تحلیلی ۲۷
توصیه های سیاستی ۲۹
سخن پایانی ۳۳

۱ خلاصه مدیریتی

- انتخابات کنگره آمریکا و انتخابات کنست اسرائیل از جمله رویدادهای سیاسی مهمی هستند که نتایج آن‌ها می‌تواند بر محیط راهبردی جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارد. اهمیت این دو رقابت صرفاً به جابه‌جایی کرسی‌های پارلمان ها یا تغییر ترکیب احزاب حاکم محدود نمی‌شود؛ بلکه باید آن‌ها را در پیوند با ساختار تصمیم‌گیری سیاسی، ملاحظات داخلی دولت‌ها، روابط میان واشنگتن و تل‌آویو و چگونگی تداوم یا تغییر سیاست‌های تقابلی علیه ایران بررسی کرد.

- از منظر سیاست‌گذاری، مسئله اصلی این نیست که کدام حزب پیروز می‌شود، بلکه این است که هر نتیجه چه تغییری در ظرفیت تصمیم‌گیری دولت آمریکا و حکومت اسرائیل، هزینه‌های سیاست خارجی و امکان تداوم اقدامات نظامی و امنیتی علیه ایران ایجاد می‌کند. تحلیل انتخابات باید از سطح پیش‌بینی نتیجه فراتر برود و به بررسی سازوکارهایی بپردازد که از طریق آن‌ها نتایج به تغییر در رفتار دولت‌ها تبدیل می‌شوند.

- ارائه‌های کارشناسان اندیشکده ایران آینده نشان می‌دهد که برای تحلیل این تحولات باید میان رقابت انتخاباتی و احتمال پیروزی احزاب؛ اختیارات نهادهای منتخب پس از انتخابات و پیامدهای احتمالی این تحولات برای ایران تمایز قائل شد. بر همین اساس، گزارش حاضر با هدف استخراج و تلفیق دیدگاه‌های مطرح‌شده در ارائه‌های کارشناسان تنظیم شده است.

- یک ملاحظه روش‌شناختی اینکه نظرات و پیش‌بینی‌های مطرح‌شده را باید در چارچوب زمانی و شرایطی فهمیده شوند که سخنرانان در آن قرار داشته‌اند. اعداد نظرسنجی‌ها، سناریوهای انتخاباتی و برآوردهای مربوط به آینده، بیانگر ارزیابی کارشناسان در زمان ارائه هستند.

- ارزیابی وضعیت کنگره از سوی کارشناسان حوزه آمریکا نشان‌گر احتمال بالای شکست حزب جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان و عدم قطعیت درباره نتیجه انتخابات مجلس سناست. به نحوی که گرچه احتمال پیروزی دموکرات‌ها بیشتر است ولی احتمال اندکی برای حفظ برتری شکننده از سوی جمهوری‌خواهان نیز وجود دارد. در عین حال، برتری دموکرات‌ها نیز در حدی نیست که مانع جدی در مسیر سیاست خارجی تهاجمی ترامپ علیه ایران باشد

ارزیابی وضعیت کنست از سوی کارشناسان حوزه اسرائیل نیز نشان می‌دهد که وضعیت کنست از وضعیت سنا مبهم‌تر است. فعلاً می‌توان گفت نتانیاهو قادر به تشکیل کابینه نخواهد بود ولی مشخص نیست بلوک اپوزیسیون نیز بتواند چنین نماید زیرا به ائتلاف یا عدم ائتلاف با احزاب عربی وابسته است که موانع جدی سیاسی و اجتماعی در پیش دارد. بنابراین دوره‌ای حکومت موقت و تکرار انتخابات، محتمل‌تر است. دوره‌ای که به مثابه یک پنجره فرصت برای تهاجم نظامی دیگری به ایران، در فاصله انتخابات کنگره تا استقرار کنگره بعدی خواهد بود.

- در مجموع توصیه‌های کارشناسان بر این مبنا استوار بوده که ایران هرگز نباید چشم‌انتظار تحولی راهبردی در سیاست خارجی آمریکا و اسرائیل نسبت به ایران، پس از انتخابات کنگره و کنست باشد. در عین حال که باید پیچیدگی‌ها و تفاوت‌ها درونی احزاب و جریان‌های داخلی را رصد کرده و متناسب با آن، تاکتیک‌ها و سیاست‌های تهران را روزآمد نماید. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین نکته این است که خطر یک تهاجم کوتاه‌مدت ولی سنگین و شدید علیه بانک اهداف جدید (مقامات و زیرساخت‌ها) در فاصله نیمه آبان تا دی‌ماه بیشتر است و در عین حال، ایران ضمن آمادگی و هشیاری برای نبرد احتمالی آتی، از فرصت دیپلماسی چه قبل و چه پس از انتخابات برای تحمیل توافق مطلوب بر آمریکا، پرهیز نکند.

۲ مقدمه

- انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ایالات متحده و کنست اسرائیل، در شرایطی برگزار می‌شوند که ایران نبردی سنگین را از سوی این دو بازیگر مهاجم پشت سر گذاشته است. مسئله اصلی، فهم این است که نتایج انتخابات چگونه می‌توانند بر قدرت مانور دولت آمریکا، جهت‌گیری سیاست خارجی واشنگتن، موقعیت سیاسی نتانیاهو و در نهایت، دامنه و شیوه تقابل با ایران اثر بگذارند.

- نکته محوری آنکه باید میان تغییر در ترکیب سیاسی نهادهای تصمیم‌گیر و تغییر در اهداف راهبردی بازیگران تمایز قائل شد. احتمال دارد انتخابات به تغییر اکثریت در مجلس نمایندگان آمریکا، تغییر موازنه در سنا یا جابه‌جایی قدرت میان احزاب اسرائیل منجر شود؛ اما چنین تغییراتی لزوماً به معنای عدول از اهداف کلان در قبال ایران نیست. ممکن است شیوه تحقق این اهداف، میزان آزادی عمل دولت‌ها، هزینه‌های سیاسی تهاجم نظامی یا نسبت میان اقدامات مستقیم و غیرمستقیم تغییر کند، بی‌آنکه اصل رقابت راهبردی پایان یابد. این تمایز به‌ویژه در ارزیابی احتمال پیروزی دموکرات‌ها در کنگره آمریکا و احتمال تشکیل دولت به رهبری مخالفان نتانیاهو اهمیت دارد.

- مجموعه ارائه‌ها نشان می‌دهد که کارشناسان درباره برخی پیش‌فرض‌های اساسی، از جمله میزان پایداری اراده آمریکا برای ادامه جنگ، نقش شبکه‌های سیاسی و اقتصادی پشتیبان سیاست‌های واشیگتن و میزان تفاوت نتانیاهو و رقبای او، ارزیابی‌های یکسانی ندارند. یک طیف از تحلیل‌ها بر تأثیر ساختارهای بلندمدت، پیوندهای سیاسی و اقتصادی و حمایت از اسرائیل تأکید می‌کند؛ طیف دیگر بر هزینه‌های جنگ، نیاز دولت ترامپ به دستاورد سیاسی، فشار افکار عمومی و نقش انتخابات در محدودکردن آزادی عمل او تمرکز دارد. در تحلیل انتخابات اسرائیل نیز اختلاف اصلی میان کارشناسان بیشتر درباره شکل و شدت تقابل آینده است تا اصل اهمیت پرونده ایران.

۳ اهمیت بررسی دو رقابت

انتخابات به‌مثابه متغیر شیوه تقابل

- اهمیت انتخابات کنگره و کنست از این جهت است که اگر تقابل نظامی با ایران برای تصمیم‌گیران آمریکا و اسرائیل هزینه‌ای در سیاست داخلی ایجاد نکند، زمینه برای تکرار عملیات‌های مشابه در آینده مساعدتر خواهد شد. در این چارچوب، ارزیابی نتیجه انتخابات فقط به این پرسش محدود نمی‌شود که چه حزبی دولت را اداره می کند؛ پرسش مهم‌تر آن است که آیا مسئولان تصمیم‌گیر و حامیان سیاسی عملیات نظامی در داخل ساختارهای سیاسی خود با افزایش هزینه، کاهش موقعیت یا فشار پاسخ‌گویی روبه‌رو خواهند شد یا خیر. فشار نظامی و اقتصادی، اگر به هزینه سیاسی ملموس در داخل آمریکا و اسرائیل تبدیل نشود، الزاماً برای جلوگیری از تکرار تقابل کفایت نمی‌کند. ایجاد چنین هزینه‌ای به‌تنهایی بازدارندگی پایدار را تضمین نمی‌کند و ضرورت هوشیاری در ادامه دوره ترامپ همچنان پابرجاست. **(دکتر کیانی)**

- با این‌حال، انتخابات متغیری تعیین‌کننده در سطح راهبردی نیست. اگر تقابل جاری حاصل تصمیمی موردی و اشتباه محاسباتی باشد، نتیجه انتخابات ممکن است نقش محدودتری ایفا کند؛ اما اگر این منازعه برآمده از برنامه‌ای ساختاری و بلندمدت برای تعیین تکلیف با ایران و محور مقاومت باشد، انتخابات می‌تواند بر هزینه، زمان‌بندی و شیوه اقدام اثر بگذارد، بی‌آنکه اصل تقابل را متوقف سازد. از همین رو، نباید نتیجه انتخابات را به‌عنوان متغیری در نظر گرفت که به‌تنهایی وضعیت جنگ یا صلح را تعیین می‌کند. این ارزیابی، هشداری علیه ساده‌سازی رابطه تغییر پارلمانی و تغییر سیاست خارجی است. **(دکتر سروری)**

- با وجود ابزارهای فشار پارلمانی میان «ایجاد مانع در برابر دولت» و «سلب کامل اختیار اقدام نظامی» تفاوت هست. پیروزی دموکرات‌ها در مجلس یا حتی تصاحب کنگره می تواند هزینه سیاسی تصمیم‌های ترامپ را بالا ببرد. ولی چنین نتیجه‌ای به معنای ناتوانی رئیس‌جمهور از آغاز یا ادامه عملیات نظامی نخواهد بود. به بیان دیگر انتخابات می‌تواند فضای تصمیم‌گیری را محدودتر کند، اما نباید جایگزین برنامه‌ریزی برای مواجهه با احتمال اقدام نظامی شود. **(دکتر هوشمند)**

۴ اهمیت انتخابات کنگره

- دولت ترامپ در سیاست خارجی و داخلی با مجموعه‌ای از پرونده‌های هم‌زمان مواجه است. چهار دغدغه مهم او دستیابی به میراث و دستاورد سیاسی در سال‌های پایانی؛ بازگشت به پرونده‌های چین و روسیه؛ جلوگیری از شکل‌گیری بحران اقتصادی در داخل آمریکا و حفظ اعتبار سیاسی در موضوع برنامه هسته‌ای ایران است. توافق با ایران که پرونده هسته‌ای و مسئله تنگه هرمز را به نحوی آبرومندانه برای ترامپ حل‌وفصل کند، مطلوب‌ترین گزینه برای اوست. در مقابل، گسترش جنگ به زیرساخت‌ها، خروج وضعیت اقتصادی از کنترل و پیشرفت قابل توجه برنامه هسته‌ای ایران، از نامطلوب‌ترین حالت‌ها برای دولت ترامپ محسوب می‌شود. این در شرایطی است که انتخابات کنگره می‌تواند نقطه عطفی در سرنوشت ترامپیسم و نه فقط ترامپ، در ایالات متحده باشد. به این ترتیب که با توجه به کیش شخصیت ترامپ و اینکه هرگز زیر بار شکست نرفته، وقوع شکست در هر دو مجلس می‌تواند تلنگری برای هسته سخت ترامپیسم در ایالات متحده باشدکه تاکنون با توهم اکثریت، پشتیبان ترامپ بوده‌اند. از سوی دیگر، به تشدید شکاف درون حزب جمهوری‌خواه نیز منجر شود، زیرا منتقدان ترامپ، حامیانش و رویکرد وی را عامل شکست حزب قلمداد خواهند کرد این موضوع با توجه به ریزش بدنه حامی ترامپ و شورشیان ششم ژانویه علیه کنگره، جای تأمل دارد و برخی از این افراد به دلیل فشارهای معیشتی ازجمله افزایش قیمت بنزین به سمت دموکرات‌ها گرایش یافته‌اند و مسیر رشد ترامپیسم پس از این انتخابات، ضعیف‌تر خواهد شد. **(دکتر علمشاهی و دکتر اکوان)**

- از این منظر، نتیجه انتخابات کنگره فقط بر میزان مخالفت حزبی با ترامپ اثر نمی‌گذارد؛ بلکه بر توان او برای مدیریت هم‌زمان پرونده جنگ با ایران، اقتصاد داخلی و سایر اولویت‌های بین‌المللی نیز اثرگذار است. اگر دموکرات‌ها اکثریت یکی از دو مجلس یا هر دو مجلس را در اختیار بگیرند، احتمال افزایش جلسات استماع، تحقیقات پارلمانی و فشار بر بودجه بیشتر می‌شود. این وضعیت می‌تواند دامنه انتخاب‌های دولت را محدود کند و هزینه ادامه جنگ را بالا ببرد؛ بااین حال، میزان اثرگذاری این فشارها به ترکیب دقیق کنگره، اندازه اکثریت دموکرات‌ها و توانایی دو حزب برای توافق بر سر لوایح بستگی خواهد داشت. بنابراین، از نظر سیاست ایران، تفاوت میان اکثریت شکننده و پیروزی قاطع دموکرات‌ها مهم است و نباید آن دو را یک وضعیت واحد تلقی کرد. **(دکتر هوشمند؛ دکتر عباسی؛ دکتر کیانی)**

- علاوه بر این، نتیجه سنا می‌تواند پیامد سیاسی بر برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ داشته باشد. اگر جمهوری‌خواهان در ایالت‌هایی که در انتخابات پیشین به ترامپ رأی داده بودند، کرسی‌های خود را از دست بدهند، این تحول می‌تواند در ارزیابی شانس نامزد جمهوری‌خواه در رقابت بعدی نیز اثر بگذارد. بدین‌ترتیب، انتخابات سنا هم‌زمان بر توان کوتاه‌مدت دولت ترامپ و موقعیت آتی حزب جمهوری‌خواه اثرگذار است.

(دکترکیانی)

- از منظر اقدام نظامی نیز فشار اقتصادی ناشی از جنگ، افزایش نارضایتی در جامعه آمریکا و امکان شکل‌گیری کنگره‌ای مخالف دولت، در کنار یکدیگر می توانند دامنه اقدام نظامی گسترده را محدود کنند. بااین‌حال، میان کاهش توان دولت برای انجام عملیات وسیع و لغو اقدام نظامی تفاوت است. کنگره مخالف ترامپ قادر است توجه دولت را به مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی معطوف کند و برخی از گزینه‌های آن را پرهزینه‌تر سازد؛ اما این وضعیت لزوماً مانع تمام عملیات‌های نظامی نمی‌شود. در نتیجه، اگر این فشار چندوجهی به‌تدریج تشدید شود، ممکن است بر محاسبات بلندمدت دولت آمریکا اثر بگذارد؛ ولی اثر آن بر تصمیم‌های کوتاه‌مدت نظامی را نمی‌توان قطعی فرض کرد.

(دکترعباسی)

۵ اهمیت انتخابات کنست

- انتخابات کنست از این جهت اهمیت دارد که رژیم سیاسی اسرائیل بر پایه پارلمان و تشکیل ائتلاف اداره می‌شود. در این نظام، پیروزی انتخاباتی یک حزب به‌تنهایی لزوماً به معنای تشکیل کابینه نیست و ترکیب ائتلاف و توانایی گردآوری دست‌کم ۶۱ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی کنست، عامل اساسی تعیین دولت آینده است. ازاین‌رو، حتی زمانی که نظرسنجی‌ها از پیشتازی یک بلوک حکایت دارند، ممکن است هیچ‌یک از دو طرف قادر به تشکیل کابینه نباشند. در چنین شرایطی، کابینه موجود می‌تواند در قالب دولت پیشبرد امور به فعالیت .ادامه دهد و دوره‌ای چندماهه از ابهام سیاسی ایجاد شود

(دکتر مجیدی؛ دکتر سید جعفر رضوی؛ دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کشیری‌نژاد)

- پرونده ایران در انتخابات مورد بحث به یکی از محورهای اصلی رقابت تبدیل شده است و کارزار نتانیاهو می‌کوشد رویارویی با ایران را نماد توانایی او برای تأمین امنیت اسرائیل و مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای معرفی کند. هر دو اردوگاه درباره ایران موضع دارند و موضوع ایران از محدوده یک مسئله تخصصی امنیتی به بخشی از رقابت عمومی انتخاباتی منتقل شده است. در چنین فضایی، شکست یا پیروزی یک حزب می‌تواند بر لحن سیاست، شیوه اقناع افکار عمومی، نسبت اسرائیل با آمریکا و نحوه استفاده از ابزار نظامی و غیرنظامی اثر بگذارد. **(دکتر براتی)**

- در عین حال، کارشناسان اسرائیل درباره میزان تفاوت ماهوی میان نتانیاهو و مخالفان اصلی او هشدار می‌دهند مخالفت با نتانیاهو الزاماً به معنای مخالفت با راهبرد فشار بر ایران نیست. تفاوت مهم‌تر در شکل، شدت و مدیریت تقابل ظاهر می‌شود: از یک سو، رویکردی که ممکن است بر تشدید علنی‌تر و مستقیم‌تر منازعه تأکید داشته باشد؛ و از سوی دیگر، رویکردی که می‌تواند اقدامات اطلاعاتی، سایبری، اقتصادی و هماهنگی نزدیک‌تر با آمریکا را برجسته کند. بنابراین، برای سیاست‌گذاری ایران، صرف‌نظر از نتیجه انتخابات، لازم است احتمال تداوم فشار علیه ایران در صورت روی کار آمدن هر یک از دو بلوک مدنظر قرار گیرد.

(دکتر براتی؛ دکتر کشیری‌نژاد)

.

۶ اهمیت دوره‌های انتقالی

- پیامدهای این دو انتخابات را نمی‌توان کاملاً جدا از یکدیگر بررسی کرد. انتخابات کنست، مطابق زمان‌بندی مطرح‌شده در ارائه‌ها، پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا برگزار می شود؛ در حالی که کنگره جدید آمریکا بلافاصله پس از رأی‌گیری آغاز به کار نمی‌کند. در فاصله انتخابات کنگره تا آغاز دوره جدید، ترکیب قبلی کنگره همچنان در جای خود باقی می‌ماند. در اسرائیل نیز ممکن است تشکیل دولت به ماه‌ها زمان نیاز داشته باشد یا اساساً به انتخابات زودهنگام دیگری منتهی شود. این فاصله‌ها می‌توانند به دوره‌ای بدل شوند که دولت ترامپ و کابینه نتانیاهو هنوز با محدودیت‌های ناشی از شکل‌گیری نهادهای سیاسی جدید مواجه نشده‌اند. در نتیجه، احتمال اقدام نظامی در این دوره را نمی‌توان صرفاً بر اساس ترکیب احتمالی کنگره آینده یا دولت احتمالی اسرائیل سنجید.

(دکتر کیانی؛ دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کثیری‌نژاد)

- از این زاویه، مسئله اصلی برای ایران فقط این نیست که کدام حزب در نهایت پیروز شود؛ بلکه این است که در چه بازه‌ای، با چه ترکیب نهادی و در چه شرایطی از رقابت‌های سیاسی، تصمیم‌های مهم امنیتی گرفته می‌شوند. فاصله میان انتخابات آمریکا و آغاز به کار کنگره جدید در کنار احتمال ناکامی دو بلوک اسرائیلی در تشکیل کابینه می‌تواند بر احتمال درگیری اثر بگذارد.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی)

۷ توصیف وضعیت رقابت کنگره

وضعیت رقابت در مجلس

- انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در تاریخ ۳ نوامبر ۲۰۲۶ برگزار می‌شود. جمهوری‌خواهان با اکثریتی شکننده، حدود ۲۱۹ کرسی در برابر ۲۱۴ کرسی دموکرات ها، کنترل مجلس نمایندگان را در اختیار دارند. بر مبنای جمع‌بندی نظرسنجی‌های ملی، مدل‌های پیش‌بینی و برآوردهای حوزه‌به‌حوزه، شرایط رقابت به نفع دموکرات ها است و احتمال بازپس‌گیری مجلس نمایندگان از سوی آنان بالا ارزیابی می شود. در مدل‌های پیش‌بینی ، احتمال پیروزی دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان حدود ۸۹ تا ۹۱ درصد برآورد شده و در میانگین نظرسنجی‌های ملی نیز دموکرات ها حدود هشت درصد از جمهوری‌خواهان پیشی دارند. **(دکتر هوشمند)**

- البته میان کرسی‌های امن و کرسی‌های رقابتی تمایز وجود دارد. در کرسی‌های امن، فاصله نامزدها به اندازه‌ای است که احتمال تغییر نتیجه پایین ارزیابی می شود؛ اما در حوزه‌های رقابتی، تفاوت اندک میان نامزدها موجب افزایش عدم قطعیت شده است. در این رقابت حدود ۱۵ کرسی رقابتی در مجلس نمایندگان باقی مانده که سرنوشت اکثریت مجلس تا حد زیادی به آن‌ها بستگی دارد. در نتیجه، تبلیغات و منابع مالی دو حزب به‌طور ویژه به همین حوزه‌ها معطوف شده است. **(دکتر هوشمند)**

- برآورد این است که دموکرات‌ها در مجلس نمایندگان حدود ۲۲۵ تا ۲۳۶ کرسی به دست آورند. پیروزی با حدود ۲۲۰ کرسی، اکثریتی شکننده ایجاد می‌کند ولی دستیابی به بیش از ۲۳۰ کرسی می‌تواند موقعیت دموکرات‌ها را برای اداره مجلس و پیشبرد لوایح تقویت کند. بر این اساس، اهمیت نتیجه مجلس نمایندگان فقط به تغییر حزب کنترل‌کننده محدود نیست؛ اندازه اکثریت نیز بر توان آن حزب برای اعمال فشار بر دولت تأثیر دارد. **(دکتر هوشمند)**

۸ وضعیت رقابت در سنا

- برخلاف مجلس نمایندگان، نتیجه انتخابات سنا با عدم‌قطعیت بیشتری همراه است. اکنون جمهوری‌خواهان با ۵۳ کرسی در برابر ۴۷ کرسی دموکرات‌ها اکثریت را در اختیار دارند. در انتخابات ۳۵ کرسی از مجموع ۱۰۰ کرسی سنا به رأی گذاشته می‌شد. نقشه انتخاباتی سنا نسبت به مجلس نمایندگان برای دموکرات‌ها دشوارتر است و نتیجه آن را نمی‌توان با همان اطمینانی پیش‌بینی کرد که درباره مجلس نمایندگان مطرح شده بود. **(دکتر هوشمند)**

- بر اساس نظرسنجی‌ها، شش ایالت میشیگان، مین، اوهایو، آیووا، تگزاس و آلاسکا در تعیین نتایج نهایی مؤثر هستند. در این ایالت‌ها، فاصله نامزدها به اندازه‌ای محدود است که برتری در نظرسنجی‌ها به‌تنهایی برای پیش‌بینی قطعی نتیجه کفایت نمی‌کند. مدل‌های پیش‌بینی، احتمال پیروزی دموکرات‌ها در سنا را حدود ۶۲ تا ۶۳ درصد برآورد می‌کنند.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی)

- تحلیل ایالت‌های رقابتی نشان می‌دهد که وضعیت در هر ایالت به ترکیبی از موقعیت نامزد، گرایش‌های انتخاباتی ایالت و مسائل اقتصادی یا سیاسی خاص آن بستگی دارد. در میشیگان، فاصله حدود سه‌درصدی عبدالسید و مایک راجرز در میانگین نظرسنجی‌ها امکان شکست نامزد پیشتاز را از بین نمی‌برد. در مین، رقابت سوزان کالینز و ترو جکسون نزدیک توصیف شده و انعطاف سیاسی کالینز و توانایی او برای از مواضع نامحبوب دولت، از جمله درباره جنگ، یکی از عوامل مؤثر در رقابت است. در اوهایو، ماهیت صنعتی اقتصاد ایالت و نارضایتی طبقه کارگر از شرایط اقتصادی، به‌عنوان زمینه‌ای برای موقعیت نامزد دموکرات، شرود براون مطرح شد. در تگزاس، ضعف نسبی نامزد جمهوری‌خواه در برابر نامزد دموکرات، در کنار تغییرات جمعیتی و نارضایتی از عملکرد سیاسی، به افزایش رقابت کمک کرده ولی پیروزی دموکرات‌ها در این ایالت را همچنان دشوار است. در آلاسکا نیز سابقه انتخاباتی نامزد دموکرات، فرصت رقابت را فراهم کرده است. در آیووا نیز نارضایتی کشاورزان از افزایش هزینه‌های انرژی و کود، که با جنگ و مسئله تنگه هرمز مرتبط است، به‌عنوان عامل تضعیف موقعیت جمهوری‌خواهان عمل کرده است. این تحلیل نشان می‌دهد که در برآورد نتیجه سنا، پیوند جنگ، قیمت انرژی و وضعیت معیشتی رأی‌دهندگان به یکی از متغیرهای اصلی تبدیل شده است. **(دکتر هوشمند)**

- فاصله کم نامزدها در چند ایالت سنا می‌تواند نتیجه نهایی را تغییر دهد. مدل های مختلف، بسته به اینکه کدام نظرسنجی‌ها را وارد محاسبه کنند و چگونه با ایالت‌های مبهم برخورد کنند، ممکن است سناریوهای متفاوتی را نشان دهند. ترکیب احتمالی سنا می‌تواند از اکثریت اندک دموکرات‌ها تا وضعیت ۵۰ به ۵۰ تغییر کند؛ وضعیتی که با توجه به جایگاه معاون رئیس‌جمهور در ریاست سنا، می‌تواند موازنه را به نفع جمهوری‌خواهان نگه دارد. ازاین‌رو، باید به جای تکیه بر یک پیش‌بینی واحد، چند نتیجه محتمل را بررسی کرد.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی)

- در نهایت، وضعیت رقابت کنگره را می‌توان چنین صورت‌بندی کرد: احتمال تغییر اکثریت مجلس نمایندگان به نفع دموکرات‌ها در ارزیابی‌های ارائه‌شده بالا بود، اما رقابت سنا نزدیک‌تر و مبهم‌تر ارزیابی می‌شد. بنابراین، سناریوی غالب در بحث‌های کارشناسان، کنگره‌ای با مجلس نمایندگان دموکرات و سنایی با موازنه شکننده بود. هر یک از این ترکیب‌ها، ابزارهای متفاوتی برای فشار بر دولت ترامپ ایجاد می‌کند.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی؛ دکتر عباسی)

- دموکرات‌ها به احتمال زیاد اکثریت مجلس را به دست می‌آورند، اما جمهوری‌خواهان می توانند با اختلافی اندک سنا را حفظ کنند. در چنین وضعیتی، دولت ترامپ با مجلسی روبه‌رو خواهد شد که در آن حزب مخالف می‌تواند تحقیقات و جلسات نظارتی را گسترش دهد، برخی لوایح را به چالش بکشد و در تصویب بودجه یا برنامه‌های اجرایی مانع‌تراشی کند؛ اما کنترل سنا همچنان در اختیار جمهوری‌خواهان خواهد بود و همین موضوع می‌تواند بخش مهمی از ظرفیت دولت برای مقاومت در برابر فشار پارلمانی را حفظ کند.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی)

- در چنین سناریویی نباید انتظار تغییر جدی در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران داشت. این وضعیت مانع اجرای گزینه‌های نظامی نیست و صرفاً ممکن است بازه زمانی تهاجم احتمالی را محدودتر سازد. **(دکتر آشنا)**

۱ کنگره دموکرات

اگر دموکرات‌ها علاوه بر مجلس نمایندگان، سنا را نیز تصاحب کنند، توان آنان برای افزایش فشار بر دولت ترامپ بیشتر خواهد شد. این وضعیت را از نظر ابزارهای نظارتی و بودجه‌ای مهم است؛ زیرا کنترل هم‌زمان دو مجلس می‌تواند هماهنگی میان دولت و کنگره را دشوارتر کند و دولت را برای پیشبرد برنامه‌های نظامی، امنیتی و داخلی به مصالحه بیشتری مجبور کند. در این شرایط، موضوع جنگ با ایران می‌تواند در جلسات استماع، بررسی بودجه دفاعی و تحقیقات درباره تصمیم‌های دولت جایگاه برجسته‌تری پیدا کند. با این حال، این سناریو را نباید معادل توقف جنگ دانست. **(دکتر هوشمند)**

- البته این سناریو نیز شامل دو حالت اصلی است، یکی اینکه دموکرات‌ها با اکثریتی شکننده به برتری برسند و دیگری اینکه برتری قاطعی را کسب کنند. در حالت اول، دموکرات‌ها توان استیضاح ترامپ را ندارند ولی می‌توانند پرونده هایی چون مالیات شرکت‌های ترامپ، استفاده از اطلاعات دولتی برای منافع شخصی و خانوادگی، اسناد اپستین و جنگ علیه ایران را پیگیری کنند.
تحقیقات، فشار رسانه‌ای و اختلاف بر سر بودجه می‌تواند اجرای برنامه‌های ترامپ را مختل کند. بودجه نظامی، فعالیت‌های فضایی، محدودیت مهاجرت و هزینه‌های جنگ از جمله حوزه‌هایی است که به تصویب کنگره نیاز دارد. ولی حتی در سناریوی دوم نیز ممکن است دموکرات‌ها ترجیح دهند ترامپ را تضعیف و نه ساقط کنند و مسئولیت دولت را به ونس نسپارند؛ زیرا ونس شاید عملکرد بهتری نشان دهد و موقعیت جمهوری‌خواهان را برای انتخابات بعدی تقویت کند. علاوه بر اینکه احتمالاً «دولت عمیق» در آمریکا مانع استیضاح ترامپ خواهد شد. **(دکتر کیانی؛ دکتر اکوان)**

- حتی در صورت تصویب قطعنامه‌های محدودکننده اختیارات جنگی، رئیس جمهور می‌تواند از حق وتو استفاده کند و شکستن وتو نیز به اکثریت بسیار بالاتری نیاز دارد. بنابراین، باید میان توان سیاسی کنگره برای ایجاد هزینه و توان حقوقی آن برای توقف یک تصمیم اجرایی تمایز گذاشت.
(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی)

- در بحث استیضاح نیز، دستیابی به چنین اکثریتی محتمل نیست؛ بنابراین، تصور برکناری ترامپ صرفاً به دلیل پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات، واقع‌بینانه نیست. در نتیجه، کارکرد اصلی این سناریو باید در افزایش نظارت، گسترش تحقیقات، افزایش هزینه سیاسی تصمیم‌ها و محدودیت برخی انتخاب‌های اجرایی جست‌وجو کرد. **(دکتر هوشمند)**

۲ کنگره جمهوری‌خواه

- حفظ کنترل هر دو مجلس به دست جمهوری‌خواهان، مطلوب‌ترین وضعیت برای دولت ترامپ است؛ ولی ارائه‌های مورد بررسی چنین نتیجه‌ای را سناریوی غالب نمی‌دانند. در این سناریو احتمال کمتری وجود دارد که فشار پارلمانی به یک مانع سیاسی مؤثر علیه دولت تبدیل شود. گرچه هزینه‌های اقتصادی، وضعیت افکار عمومی و ضرورت رسیدگی به دیگر پرونده‌های سیاست خارجی به مثابه ترمزی برای تهاجم دولت عمل می‌کند.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی؛ دکتر علمشاهی)

۳ حالت ویژه: دوره انتقالی

- از نظر زمانی، یکی از مهم‌ترین سناریوها در ارائه‌ها به دوره میان پایان انتخابات و آغاز به کار کنگره جدید مربوط است. در این فاصله، نتیجه سیاسی انتخابات مشخص شده، اما ابزارهای نهادی کنگره جدید هنوز فعال نشده‌اند. این فاصله که با عنوان دوره «اردک لنگ» مورد اشاره قرار گرفته، می‌تواند از نظر محاسبات دولت ترامپ مهم باشد؛ زیرا او هنوز به‌طور کامل با ترکیب جدید کنگره مواجه نشده و امکان دارد بخواهد پیش از تغییر موازنه نهادی، تصمیم هایی را اجرا کند. احتمالا از منظر ترامپ این فاصله زمانی، برای اقدام نظامی مناسب‌تر از دوره پس از استقرار کنگره آینده ارزیابی شود. در نتیجه انتخابات باید هم‌زمان با مسئله زمان‌بندی استقرار نهادهای جدید تحلیل شود.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی)

- حتی در شرایطی که کنگره آینده مخالف عملیات گسترده باشد، امکان عملیات محدود و کوتاه‌مدت به‌طور کامل از میان نمی‌رود. نتیجه انتخابات به‌تنهایی تعیین نمی‌کند آیا اقدام نظامی رخ خواهد داد یا نه؛ بلکه باید دید دولت چه هزینه‌ای برای ادامه عملیات متحمل می‌شود، کدام موانع نهادی پیش روی آن قرار می‌گیرد و آیا می‌تواند از اقدام خود دستاوردی سیاسی عرضه کند یا خیر.

(دکتر عباسی؛ دکتر کیانی)

۱۰ پیامدهای سناریوهای کنگره برای ایران

۱ جلسات استماع

پیامد نخست انتخابات کنگره برای ایران به میزان فشار سیاسی و نهادی واردشده بر دولت ترامپ مربوط است. اگر دموکرات‌ها مجلس نمایندگان را به دست آورند، احتمال بررسی هزینه‌های جنگ و جلسات استماع عملکرد مسئولان افزایش می‌یابد. اگر سنا نیز در اختیار آنان قرار گیرد، امکان استیضاح وزیرانی مانند هگست بیشتر خواهد شد. در این وضعیت، بخشی از جمهوری‌خواهان نیز ممکن است، متناسب با افزایش هزینه‌های سیاسی جنگ و تغییر فضای افکار عمومی، از دولت فاصله بگیرند. این احتمال زمانی مهم‌تر می‌شود که مخالفت با جنگ در جامعه آمریکا گسترش پیدا کند و اثرات اقتصادی منازعه به مسئله‌ای محسوس برای رأی‌دهندگان تبدیل شود. بااین‌حال، حق وتوی ترامپ همچنان پابرجا است. در نتیجه، برای ایران مهم‌تر از انتظار برای توقف عملیات‌ها، شناسایی راه‌هایی است که از طریق آن‌ها فشار پارلمانی بر هزینه‌های ادامه جنگ اثر می‌گذارد.

(دکتر هوشمند؛ دکتر عباسی)

۲ ابزار بودجه

بودجه یکی از مهم‌ترین اهرم‌های فشار کنگره بر دولت است. اکثریت مخالف می‌تواند تصویب برخی اعتبارات را به پذیرش خواسته‌های خود در حوزه‌های دیگر گره بزند. دموکرات ها برای واداشتن دولت به تغییر رفتار در جنگ می‌توانند از فرایند بودجه و تصویب اعتبارات دفاعی استفاده کنند. از این منظر، مخالفت با جنگ صرفاً به صدور بیانیه یا تصویب یک قطعنامه محدود نیست؛ بلکه می‌تواند از مسیر رقابت بر سر منابع و کنترل هزینه‌ها یز دنبال شود. تأثیر واقعی این ابزار به میزان انسجام اکثریت جدید، همراهی احتمالی بخشی از اعضای حزب جمهوری‌خواه و حساسیت رأی‌دهندگان نسبت به هزینه‌های جنگ بستگی خواهد داشت. به ویژه زمانی که رئیس‌جمهور آمریکا در سال‌های پایانی دوره خود به دنبال جلوگیری از بحران اقتصادی، حفظ اعتبار سیاسی و بازگشت به اولویت‌هایی مانند مهار چین ،باشد. اگر ادامه جنگ و اختلال در بازارهای انرژی

احتمال تورم یا رکود را افزایش دهد، انگیزه دولت برای یافتن راهی جهت خاتمه تقابل تقویت می‌شود. گرچه تمایل به توافق لزوماً به معنای انعطاف خودکار نیست؛ ترامپ ممکن است برای دستیابی به توافق، ابتدا فشار را افزایش دهد و از آن به‌عنوان ابزاری برای کسب امتیاز استفاده کند. **(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی؛ دکتر علمشاهی)**

۳ تحقیقات پارلمانی

- افزایش قدرت دموکرات‌ها در کنگره می‌تواند به گسترش تحقیقات و جلسات استماع درباره تصمیم‌های دولت، عملکرد مقام‌های مسئول و هزینه‌های جنگ منجر شود. در این چارچوب، تحقیق درباره عملکرد مسئولان نظامی و امنیتی، بررسی تصمیم‌های مربوط به جنگ و پرسش از مقام‌های دولت، می‌تواند عرصه تازه‌ای برای فشار سیاسی ایجاد کند. در نتیجه، بخشی از اثر انتخابات ممکن است در تغییر محیط پاسخ‌گویی دولت ظاهر شود. تصمیم‌هایی که پیش‌تر در فضای کم‌نظارت‌تری اتخاذ می‌شدند، ممکن است به موضوع مناقشه و تحقیق عمومی در کنگره تبدیل شوند. **(دکتر هوشمند)**
- این تحقیقات، پیامد جنگ را به آینده سیاسی مقام‌هایی پیوند می‌دهد که در طراحی یا پیشبرد آن نقش داشته‌اند. حتی اگر تغییر ترکیب کنگره نتواند به‌طور فوری سیاست خارجی آمریکا را متوقف سازد، تضعیف جایگاه سیاسی مسئولان تصمیم‌گیر و افزایش هزینه داخلی جنگ می‌تواند برای جانشینان آنان پیامد داشته باشد. چنین هزینه‌ای به‌تنهایی تضمین کننده مصونیت ایران در برابر تقابل‌های کوتاه‌مدت نیست. **(دکتر کیانی)**

۴ فقدان ضمانت توقف جنگ

- آیا پیروزی دموکرات‌ها در کنگره می‌تواند جهت‌گیری دولت آمریکا در قبال ایران را به‌طور اساسی تغییر دهد یا خیر؟ حتی سناریوی رادیکالِ کنترل هر دو مجلس به دست دموکرات ها، با فرض تشدید درگیری سیاسی داخلی و افزایش فشار بر ترامپ، لزوماً به تغییر راهبرد اصلی آمریکا در قبال ایران منجر نمی‌شود. تصمیم‌های مربوط به تقابل با ایران صرفاً محصول ترجیحات شخصی رئیس‌جمهور و سلیقه حزبی نیستند

و شبکه‌های سیاسی و جریان‌های پشتیبان سیاست اسرائیل نیز در آن نقش دارند. ازاین‌رو، حتی تغییر در ترکیب نهادهای سیاسی یا تغییر برخی چهره‌های اجرایی، به‌تنهایی برای تغییر کامل جهت‌گیری سیاست خارجی کافی نخواهد بود. این ارزیابی با عقبه سیاسی و اقتصاد سیاسی حامی سیاست آمریکا در قبال اسرائیل هم‌راستاست. برای تحلیل رفتار دولت ترامپ نباید تنها به اظهارات علنی، وعده‌های انتخاباتی یا اختلاف میان اعضای کابینه توجه کرد؛ بلکه لازم است به شبکه‌های حمایتی لابی صهیونیست، روابط دیرینه، حامیان مالی و جریان‌هایی که در شکل‌گیری اولویت‌های سیاست خارجی نقش داشته‌اند نیز توجه شود. تغییر اکثریت کنگره باید به‌عنوان تغییری در محیط سیاسی دولت ارزیابی شود، نه به‌عنوان دلیلی برای انصراف از سیاست‌های تثبیت‌شده در قبال ایران و اسرائیل.

(دکتر آشنا؛ دکتر اکوان؛ دکتر موسوی)

۵ پیامدهای راهبردی

ترکیب این ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که اثر انتخابات کنگره بر ایران در سه سطح قابل بررسی است. در سطح نخست، تغییر اکثریت مجلس نمایندگان و احتمال تغییر اکثریت سنا، توان دولت ترامپ برای اداره روابط خود با کنگره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در سطح دوم، این تغییر می‌تواند با افزایش نظارت، تحقیقات پارلمانی و مناقشه بر سر بودجه، هزینه سیاسی و اجرایی ادامه جنگ را افزایش دهد. در سطح سوم، انتخابات می‌تواند بر محاسبات زمانی دولت آمریکا اثر بگذارد؛ به‌ویژه در فاصله میان پایان انتخابات و آغاز به کار کنگره جدید. هیچ یک از این سه سطح، به‌تنهایی تضمین‌کننده توقف عملیات نظامی نیستند؛ اما در کنار یکدیگر می‌توانند محیط تصمیم‌گیری را تغییر دهند و فرصت‌ها و محدودیت‌های جدیدی برای ایران ایجاد کنند. از همین رو، مهم‌ترین پیامد سیاستی برای ایران آن است که از یک‌سو امکان بهره‌گیری از افزایش هزینه‌های داخلی جنگ در آمریکا را در نظر بگیرد و از سوی دیگر، ظرفیت دولت برای اقدام مستقل یا تشدید تقابل را دست‌کم نگیرد.

(دکتر هوشمند؛ دکتر عباسی؛ دکتر آشنا؛ دکتر موسوی؛ دکتر کیانی)

۱۱ توصیف وضعیت رقابت انتخابات کنست

- نخستین نکته در تحلیل انتخابات کنست آن است که نظام انتخاباتی اسرائیل حزبی، تناسبی و مبتنی بر تشکیل ائتلاف است. کنست ۱۲۰ کرسی دارد و رأی‌دهندگان به فهرست‌های حزبی رأی می‌دهند، نه به نامزدهای حوزه‌های انتخابیه مجزا. سهم کرسی‌های هر حزب متناسب با آرای آن محاسبه می‌شود و فهرست‌هایی که کمتر از حدنصاب قانونی را کسب کنند، از ورود به کنست بازمی‌مانند. حدنصاب ورود به کنست ۳٫۲۵ درصد آراست. بر این اساس، حتی تفاوت محدود در میزان مشارکت یا تغییر چند هزار رأی می‌تواند موقعیت یک فهرست را تغییر دهد و در نهایت بر تعداد کرسی‌ها و امکان تشکیل دولت اثر بگذارد.

(دکتر سید جعفر رضوی؛ دکتر مجیدی؛ دکتر کثیری‌نژاد)

- در این نظام، کسب بیشترین تعداد کرسی‌ها به‌تنهایی برای تشکیل دولت کافی نیست. برای آنکه یک ائتلاف بتواند دولت تشکیل دهد، باید حمایت دست‌کم ۶۱ نماینده را جلب کند. پس انتخابات کنست دو مرحله تحلیلی دارد: مرحله نخست، توزیع کرسی‌ها میان احزاب و بلوک های سیاسی؛ و مرحله دوم، مذاکرات و توافق‌هایی که ممکن است پس از انتخابات به تشکیل ائتلاف منجر شود. ممکن است یک بلوک در مجموع آرای بیشتری کسب کند، اما نتواند دولت تشکیل دهد؛ یا بلوکی بدون کسب اکثریت مستقل، از طریق ائتلاف با احزاب کوچک‌تر یا احزاب عربی به حدنصاب لازم برسد. بنابراین، برآورد نهایی درباره آینده اسرائیل باید علاوه بر نظرسنجی‌ها، امکان ائتلاف، اختلافات درون هر بلوک و موضع احزاب تعیین کننده را نیز در نظر بگیرد.

(دکتر مجیدی؛ دکتر سید جعفر رضوی؛ دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کثیری‌نژاد)

- این ساختار به بی‌ثباتی سیاسی نیز میدان می‌دهد. تعداد زیادی از دوره‌های پارلمانی اسرائیل پیش از پایان دوره معمول به انتخابات زودهنگام منتهی شده‌اند. کابینه ائتلافی، به ویژه هنگامی که بر اکثریتی شکننده متکی است، به اختلافات میان احزاب عضو حساس است. در نتیجه، احتمال فروپاشی ائتلاف، شکست در مذاکرات تشکیل دولت و برگزاری انتخابات مجدد بخشی از سناریوهای این رقابت است. این موضوع برای ایران اهمیت مستقیمی دارد؛ زیرا شکست در تشکیل کابینه می‌تواند به معنای تداوم فعالیت کابینه پیشین در شرایط انتقالی باشد. **(دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کثیری‌نژاد)**

۱ دو بلوک اصلی رقابت

رقابت حول دو بلوک شکل گرفته است: بلوک حامی نتانیاهو و مخالفان او. بلوک نتانیاهو از حزب لیکود و مجموعه‌ای از احزاب مذهبی، حریدی و ملی‌مذهبی تشکیل می‌شود. اختلافاتی درون ائتلاف وجود دارد، اما اعضای اصلی آن در ادامه حضور نتانیاهو اشتراک دارند. در عین حال، این بلوک با فشارهای سیاسی ناشی از عملکرد دولت، مسئله اصلاحات قضایی و اختلاف پیرامون خدمت سربازی حریدی‌ها روبه‌رو است.

(دکتر مجیدی؛ دکتر سید جعفر رضوی؛ دکتر سلمان رضوی)

در بلوک اپوزیسیون، مجموعه‌ای از احزاب و چهره‌های سیاسی با گرایش‌های متفاوت قرار دارند. نفتالی بنت، یائیر لاپید، گادی آیزنکوت، یائیر گولان و آویگدور لیبرمن از جمله بازیگران اصلی هستند. تفاوت‌های ایدئولوژیک میان این افراد قابل توجه است. در یک سوی طیف، چهره‌های متعلق به جناح چپ و میانه قرار دارند و در سوی دیگر، سیاستمدارانی با دیدگاه های ملی‌گرا و راست‌گرا دیده می‌شوند. ازاین‌رو، وجه اشتراک اصلی مخالفت با نتانیاهو و تلاش برای پایان کابینه اوست. این ناهمگونی می‌تواند به توافقی ناپایدار شود.

(دکتر مجیدی؛ دکتر سید جعفر رضوی؛ دکتر براتی)

از نظر سیاست ایران، مهم‌ترین نکته آن است که نباید بلوک مخالف نتانیاهو را به‌طور خودکار جریانی متمایل به کاهش تقابل با ایران دانست. مخالفان نتانیاهو نیز سیاست‌های امنیتی سخت‌گیرانه‌ای در برابر ایران دارند؛ اختلاف اصلی آنان با نخست‌وزیر بیشتر به ارزیابی عملکرد داخلی او، میزان موفقیت عملیات‌های گذشته، شیوه هماهنگی با آمریکا و نحوه تبدیل دستاورد نظامی به نتیجه سیاسی بازمی‌گردد. به همین دلیل، جابه‌جایی دولت ممکن است شیوه و سطح تقابل را تغییر دهد.

(دکتر براتی؛ دکتر کشیری‌نژاد)

۲ جایگاه احزاب عربی

با توجه به فاصله بلوک‌های اصلی از حدنصاب ۶۱ کرسی، احزاب عربی می‌توانند در جایگاه عامل تعیین‌کننده ظاهر شوند. حزب رعم به رهبری منصور عباس، رویکردی عمل‌گرایانه‌تر دارد و در پی تقویت موقعیت و حقوق شهروندان عرب در چارچوب ساختار سیاسی موجود است. فهرست مشترک شامل احزابی مانند هدش، تعال و بلد بر تفاوت‌هایی در رویکرد به مسئله فلسطین و شروط مشارکت سیاسی تأکید می‌کند. ولی در جامعه سیاسی اسرائیل مخالفت قابل توجهی با مشارکت احزاب عربی در دولت وجود دارد. حتی برخی رهبران مخالف نتانیاهو، با وجود نیاز به آرای این احزاب، از اعلام آمادگی برای ائتلاف با آن‌ها خودداری می‌کنند؛ زیرا نگران‌اند چنین موضعی باعث انتقال بخشی از آرای یهودیان به لیکود شود. در عین حال، سابقه تشکیل دولت بنت و لاپید با پشتیبانی منصور عباس نشان می‌دهد که چنین ائتلافی ناممکن نیست. **(دکتر مجیدی؛ دکتر سید جعفر رضوی)**

۳ مسائل داخلی

از مهم‌ترین این مسائل، اختلاف بر سر اصلاحات قضایی است که نتانیاهو در دوره پیشین پیگیری کرده، اما این روند با جنگ غزه متوقف شد. در صورت تداوم کابینه فعلی، احتمال بازگشت این موضوع به دستور کار مطرح است؛ در مقابل، مخالفان نتانیاهو آن را از موضوعاتی می‌دانند که باید در دوره بعدی تعیین تکلیف شود. این مسئله تنها به ساختار حقوقی محدود نیست؛ بلکه بر مناسبات میان دولت، دادگاه‌ها و بازیگران سیاسی نیز اثر می گذارد و می‌تواند در توانایی ائتلاف آینده برای حفظ انسجام نقش داشته باشد.

(دکتر سلمان رضوی)

موضوع دیگر، تشکیل کمیته تحقیق درباره وقایع هفتم اکتبر است. این مسئله یکی از اولویت‌های اپوزیسیون به شمار می‌رود و می‌تواند به بررسی مسئولیت تصمیم‌گیران فعلی منتهی شود. در کنار آن، محدودیت دوره نخست‌وزیری و موضوع خدمت اجباری حریدی‌ها نیز از مسائل داخلی مهم‌اند. مخالفان نتانیاهو در پی تغییراتی هستند که امکان تداوم طولانی‌مدت نخست‌وزیری او را محدود کند و درباره معافیت‌ها و بودجه مرتبط با جامعه حریدی‌ها نیز بازنگری انجام شود. در مقابل، احزاب مذهبی و متحدان نتانیاهو این موضوعات را تهدیدی علیه اولویت‌ها و منافع خود تلقی می‌کنند.

(دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کشیری نژاد)

۴ مسائل خارجی

در میان موضوعات خارجی، پرونده ایران جایگاهی برجسته دارد. ایران به یکی از محورهای اصلی مناقشه سیاسی تبدیل شده؛ به‌گونه‌ای که هر دو اردوگاه می‌کوشند مواضع خود را درباره چگونگی مواجهه با ایران برجسته کنند. با این حال، کارزار نتانیاهو به‌طور خاص می کوشد جنگ با ایران را به نشانه‌ای از توانایی شخص نخست‌وزیر در تأمین امنیت اسرائیل تبدیل کند. بر اساس نظرسنجی‌ها، بخش قابل توجه از افکار عمومی اسرائیل خواهان ازسرگیری تقابل با ایران است، اما در همان حال، نگرانی و هراس از جنگ نیز وجود دارد. این دوگانگی برای تحلیل رقابت انتخاباتی اهمیت دارد. از یک‌سو، نمایش قاطعیت در برابر ایران می‌تواند برای برخی رأی‌دهندگان جذاب باشد؛ از سوی دیگر، هزینه‌های امنیتی و نگرانی از تکرار درگیری می‌تواند محدودیتی بر میزان پذیرش ماجراجویی نظامی ایجاد کند. در مقایسه میان نتانیاهو و رقبای اصلی او، نتانیاهو بر تقابل مستقیم‌تر و حفظ ابتکار عمل مستقل‌تر اسرائیل تأکید دارد و می‌کوشد آمریکا را با برنامه‌های خود همراه سازد. انتقاد اصلی مخالفان نتانیاهو این است که اقدامات یک‌جانبه نخست‌وزیر، بدون هماهنگی کافی با واینگتن، به انزوای بین‌المللی اسرائیل دامن زده و الزاماً به دستاورد سیاسی پایدار منتهی نشده است. بنابراین، تغییر کابینه ممکن است به معنی تقویت نقش آمریکا در تعیین شیوه و دامنه اقدام‌های اسرائیل باشد. نفتالی بنت به استفاده از ابزارهای پنهان، جنگ سایبری و فشار فرسایشی اهمیت بیشتری می‌دهد. گادی آیزنکوت نیز بر هماهنگی نزدیک‌تر با آمریکا و محدودکردن امکان بازسازی ظرفیت‌های ایران از طریق فشارهای امنیتی و لجستیکی تأکید می‌کند. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده اختلاف بر سر نحوه اجرای آن و چگونگی تبدیل عملیات نظامی به دستاورد سیاسی است.

(دکتر براتی؛ دکتر کثیری‌نژاد)

۱۲ سناریوهای رقابت کنست

۱ انتخابات زودهنگام

در این وضعیت، نتایج انتخابات به گونه‌ای خواهد بود که هیچ‌یک از دو بلوک اصلی توان کسب اکثریت لازم برای تشکیل کابینه را ندارد و پس از طی مراحل قانونی، زمینه برای برگزاری انتخابات زودهنگام فراهم می‌گردد. در فاصله میان انتخابات و برگزاری رأی‌گیری بعدی، نتانیاهو به کار خود ادامه خواهد داد. چنین فاصله‌ای می‌تواند حدود چهار تا هفت ماه طول بکشد؛ بازه‌ای که در آن کابینه همچنان اختیار تصمیم‌گیری دارد. اهمیت این سناریو برای ایران در آن است که شکست نتانیاهو در انتخابات، الزاماً به خروج او از جایگاه اجرایی منتهی نمی‌شود. دولت پیشبرد امور در دوره انتقالی می‌تواند به فعالیت ادامه دهد و اختیار تصمیم گیری درباره آغاز جنگ نیز به‌طور خودکار از آن سلب نمی‌شود. بااین‌حال، چنین دولتی ممکن است از نظر سیاسی در موقعیت دشوارتری قرار گیرد، به‌ویژه اگر اقدام نظامی جدیدی انجام دهد که دستاورد فوری و قابل عرضه نداشته باشد. در ارزیابی او، شکست در عملیات نظامی می‌تواند هم موقعیت انتخاباتی نتانیاهو را تضعیف کند و هم زمینه انتقادهای تازه درباره مسئولیت سیاسی او را افزایش دهد. بنابراین، در این سناریو میان آزادی عمل حقوقی و محدودیت‌های سیاسی آن باید تفکیک قائل شد. پس اگر نتانیاهو بخواهد در دوره موقت اقدام تازه‌ای انجام دهد، باید بتواند عملیات را در زمانی محدود به نتیجه‌ای برساند که برای افکار عمومی اسرائیل قابل عرضه باشد. پیامد نهایی این سناریو به تعامل میان زمان باقی‌مانده تا انتخابات بعدی، شدت فشارهای داخلی، دستاوردهای احتمالی عملیات نظامی و وضعیت هم‌زمان سیاست آمریکا وابسته خواهد بود.

(دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کثیری‌نژاد)

۲ اپوزیسیون با مشارکت احزاب عربی

مخالفان نتانیاهو با حمایت احزاب عربی به حدنصاب لازم می‌رسند. احزاب عربی به دلیل نقش تعیین‌کننده‌شان در دستیابی به اکثریت، قادر خواهند بود بر مذاکرات پس از انتخابات تأثیر بگذارند؛ اما میزان مشارکت مستقیم آنان و دامنه توافق با اپوزیسیون همچنان متغیر خواهد بود. احزاب عربی از نظر رویکرد سیاسی یکدست نیستند و پذیرش مشارکت آنان از سوی مخالفان نتانیاهو نیز با محدودیت‌های اجتماعی و انتخاباتی روبه روست. بنابراین، حتی اگر در تشکیل دولت جدید نقش داشته باشند، نمی‌توان فرض کرد توافقی جامع درباره همه سیاست‌های داخلی و خارجی شکل گرفته است. در نتیجه، میزان انسجام کابینه آینده، نوع توافق با احزاب عربی و چگونگی توزیع مسئولیت‌های حکومتی می‌تواند بر توان آن برای اجرای سیاست‌های خود اثر بگذارد. کابینه احتمالی مخالفان در این سناریو تلاش خواهد کرد در دوره ابتدایی فعالیت خود مجموعه‌ای از برنامه‌های داخلی را اجرا کند و تمرکز فوری و انحصاری بر سیاست خارجی نخواهد داشت. البته همچنان به دنبال محدودیت ظرفیت‌های ایران و بازسازی موقعیت امنیتی اسرائیل خواهد بود ولی این موضوع را با ابزارهای غیرمستقیم پیگیری می‌کند.

(دکتر کثیری‌نژاد؛ دکتر مجیدی؛ دکتر براتی)

۳ اپوزیسیون بدون مشارکت احزاب عربی

در این حالت، تحقق ائتلاف به توافق درون اپوزیسیون و همراهی برخی نمایندگان یا جریان‌های جداشده از بلوک رقیب وابسته است. تقویت موقعیت داخلی کابینه جدید و افزایش توان آن برای پیشبرد برنامه‌های ضدایرانی از ویژگی‌های این سناریو برآورد می شود. اقداماتی که الزاماً به صورت حملات آشکار نظامی ظاهر نمی‌شوند، اما می‌توانند با هدف تضعیف ظرفیت‌های ایران و محدودکردن توان بازسازی آن پیگیری شوند. پیامدهای احتمالی این سناریو شامل افزایش فشار اطلاعاتی و امنیتی؛ دوم، گسترش اقدامات سایبری و خرابکاری؛ و سوم، تقویت فشار اقتصادی و محدودکردن مسیرهای دورزدن تحریم‌هاست. **(دکتر کثیری‌نژاد؛ دکتر براتی)**

۴ تداوم نتانیاهو

در این وضعیت، نخست‌وزیر می‌تواند ادعا کند که برخلاف انتقادهای مخالفان، جنگ و سیاست‌های امنیتی او به شکست سیاسی‌اش منجر نشده است. در نتیجه می‌تواند احتمال تشدید تنش با ایران را افزایش دهد. نتانیاهو می‌کوشد این تصویر را ایجاد کند که تنها او قادر است در برابر ایران رویکردی قاطع اتخاذ کند و در صورت باقی‌ماندن در قدرت، ممکن است همین موضوع را به محور تازه‌ای برای کسب مشروعیت داخلی تبدیل کند.

گرچه در صورت پیروزی نتانیاهو، باید توان عملی دولت برای حفظ اکثریت و عبور از اختلافات داخلی را ارزیابی کرد

(دکتر کشیری‌نژاد؛ دکتر براتی)

۵ کابینه فراگیر

نتانیاهو پس از انتخابات با گادی آیزنکوت توافق کند و کابینه وحدت ملی شکل گیرد؛ در این ترکیب، احتمال کنارگذاشتن بن گویر و اسموتریچ نیز مطرح می‌شود. چنین ساختاری می‌تواند از یک سو از حضور نتانیاهو و تجربه سیاسی او بهره ببرد و از سوی دیگر، با حضور آیزنکوت از پشتوانه نظامی و امنیتی برخوردار باشد. این حالت برای ایران بسیار نامطلوب است؛ زیرا حضور هم‌زمان دو چهره دارای دیدگاه‌های سخت‌گیرانه نسبت به ایران می‌تواند به سیاست‌های ضدایرانی‌تری منجر شود. این وضعیت، کمترین احتمال را دارد. دلیل این برآورد، مخالفت بخش بزرگی از افکار عمومی و نیز مخالفت صریح رهبران اصلی اپوزیسیون با ائتلاف به رهبری نتانیاهو است

(دکتر کشیری‌نژاد؛ دکتر سلمان رضوی)

۱۳ جمع‌بندی تحلیلی

- مقایسه ارائه‌های مربوط به انتخابات کنگره آمریکا و کنست اسرائیل نشان می‌دهد که هر دو رقابت از نظر شکل اثرگذاری بر سیاست ایران اهمیت دارند، اما سازوکارهای آن ها یکسان نیست. در آمریکا، تغییر اکثریت کنگره می‌تواند از طریق نظارت پارلمانی، بودجه، جلسات استماع و افزایش هزینه سیاسی بر تصمیم‌های دولت اثر بگذارد. در اسرائیل، نتیجه انتخابات علاوه بر توزیع کرسی‌ها، به توانایی احزاب برای تشکیل ائتلاف و پایداری دولت وابسته است. به همین دلیل، در تحلیل انتخابات آمریکا باید بیش از همه به موازنه نهادی دولت و کنگره توجه کرد؛ در حالی که در تحلیل انتخابات اسرائیل، ترکیب ائتلاف و امکان تداوم آن نقشی اساسی دارد.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی؛ دکتر مجیدی؛ دکتر سید جعفر رضوی؛ دکتر کثیری نژاد)

- در هر دو مورد، تغییر ترکیب سیاسی می‌تواند بر میزان آزادی عمل تصمیم‌گیران، امکان کسب حمایت داخلی و نحوه مدیریت تقابل با ایران اثر بگذارد. بخشی از کارشناسان معتقدند که این تغییرات لزوماً اهداف پایه‌ای آمریکا یا اسرائیل را کنار نمی زند. این دیدگاه‌ها به معنای فقدان اثرگذاری انتخابات نیست؛ بلکه بر این نکته تأکید دارند که سیاست ایران باید تغییر موازنه‌های نهادی را در کنار استمرار احتمالی اهداف راهبردی طرف مقابل بسنجد فشار اقتصادی، گسترش مخالفت عمومی با جنگ و تغییر ترکیب کنگره می‌توانند در کنار هم، اجرای عملیات‌های گسترده را دشوارتر کنند. بنابراین، اگرچه نمی‌توان نتیجه انتخابات را عامل تعیین‌کننده جنگ یا صلح دانست، نباید توان آن برای افزایش هزینه تصمیم‌گیری و تغییر محاسبات دولت را نیز نادیده گرفت. تفاوت کارشناسان در میزان تأکید بر ظرفیت محدودکنندگی سیاست داخلی است.

(دکتر موسوی؛ دکتر عباسی؛ دکتر آشنا)

- در همین چارچوب، ترامپ ممکن است برای دستیابی به توافق، ابتدا فشار را افزایش دهد و از آن برای کسب امتیازات بیشتر استفاده کند. از این منظر، ممکن است دوره‌ای وجود داشته باشد که هم‌زمان با افزایش فشار داخلی و سیاسی بر دولت آمریکا، احتمال تلاش برای اعمال فشار نظامی یا اقتصادی نیز بالا برود. بنابراین، نباید فرض کرد که پیروزی دموکرات‌ها موجب کاهش تنش می‌شود؛ همان‌گونه که از دست‌رفتن اکثریت کنگره نیز به معنای از بین‌رفتن همه انگیزه‌های دولت برای توافق نیست.

(دکتر علمشاهی؛ دکتر کیانی)

- در مورد انتخابات کنست، یکی از جمع‌بندی‌های مهم این است که نباید تفاوت میان نتانیاهو و رقبای او را صرفاً بر مبنای لحن انتخاباتی یا اختلافات داخلی‌شان سنجید. مخالفان نتانیاهو نیز در پی مقابله با ایران هستند، اما ممکن است در ارزیابی خود از عملیات نظامی، نحوه همکاری با آمریکا و چگونگی تبدیل دستاورد نظامی به نتیجه سیاسی با نخست‌وزیر اختلاف داشته باشند. تغییر سیاسی ممکن است به تغییر ابزارهای تقابل، از اقدام‌های مستقیم‌تر به روش‌های اطلاعاتی، سایبری یا اقتصادی، منتهی شود. در نتیجه، تغییر نخست‌وزیر را نباید معادل پایان راهبرد فشار بر ایران دانست. از سوی دیگر، تشکیل دولت مخالفان ممکن است در آغاز با تمرکز جدی بر مسائل داخلی همراه باشد. اصلاحات قضایی، تحقیق درباره وقایع هفتم اکتبر، محدودکردن دوره نخست‌وزیری و موضوع خدمت نظامی حریدی‌ها از جمله مسائلی هستند که مطرح شده‌اند. این مسائل می‌توانند از ظرفیت سیاسی دولت آینده بکاهند یا آن را به سمت رسیدگی به پرونده‌های داخلی سوق دهند، اما نمی‌توان بر اساس آن‌ها به طور قطعی نتیجه گرفت که سیاست خارجی اسرائیل علیه ایران کاهش می‌یابد. بنابراین، اثر تغییر دولت به ترکیب ائتلاف، پایداری آن، میزان تمرکز بر مسائل داخلی و سبک مدیریت سیاست امنیتی بستگی خواهد داشت. **(دکتر براتی؛ دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کثیری‌نژاد)**

- یکی از نقاط مشترک ارائه‌ها، اهمیت دوره انتقالی پس از انتخابات است. در آمریکا، میان اعلام نتیجه انتخابات و آغاز به کار کنگره جدید فاصله‌ای وجود دارد؛ در اسرائیل نیز ممکن است تشکیل دولت ماه ها طول بکشد یا انتخابات مجدد برگزار شود. در هر دو مورد، تغییر نتیجه سیاسی هنوز به تغییر کامل در ساختار قدرت تبدیل نشده است. بنابراین، ممکن است دوره‌ای پدید آید که دولت‌های موجود همچنان امکان تصمیم‌گیری داشته باشند، در حالی که توازن سیاسی آینده تا حدی مشخص شده است. پس نباید بر اساس نتیجه احتمالی انتخابات، میزان خطر را کمتر یا بیشتر از واقع ارزیابی کرد.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی؛ دکتر سلمان رضوی؛ دکتر کثیری‌نژاد)

۱۴ توصیه‌های سیاستی

۱ تاب‌آوری

جنگ‌های اخیر نشان داده‌اند که قابلیت‌ها و ابزارهای موجود، به‌تنهایی برای تحقق یک راهبرد کافی نیستند؛ اراده تصمیم‌گیران برای استفاده از آن‌ها نیز اهمیت دارد. بخشی از خطای محاسباتی طرف مقابل این بود که توانایی‌های باقی‌مانده ایران را صرفاً بر اساس آسیب‌های واردشده ارزیابی می‌کرد و از میزان اراده ایران برای استفاده از برخی اهرم های خود برآورد دقیقی نداشت. در این چارچوب بازنگری در رویکردهای بازدارندگی و انطباق آن‌ها با تحولاتی که در جنگ و پس از آن رخ داده‌اند، ضروری است. قابلیت‌های موجود، بدون اراده و آمادگی برای استفاده از آن‌ها، الزاماً به نتیجه راهبردی منتهی نمی شوند. تغییرات اخیر در محیط امنیتی نیز، ضرورت بازنگری در شیوه‌های بازدارندگی و انطباق آن‌ها با شرایط جدید را افزایش داده است. محدودکردن سیاست منطقه‌ای به یک بُعد از قدرت، ظرفیت مقابله با تحولاتی را که در کشورهای پیرامونی رخ می‌دهد کاهش می‌دهد. در این نگاه، سیاست ایران نباید صرفاً به بازیابی توانایی های پیشین محدود شود؛ بلکه لازم است نسبت میان افزایش قابلیت‌های جدید، ایجاد بانک اهداف جدید و نمایش اعتبار تهدید نیز لحاظ شود. از سوی دیگر مسئله فقط آمادگی برای یک رویارویی نظامی نیست؛ بلکه توانایی حفظ کارکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور در شرایط فشار نیز اهمیت دارد. سیاست‌گذار باید از تعویق بحران‌ها فاصله بگیرد و به ظرفیت‌ها و اراده لازم برای اداره دوره‌های دشوار توجه کند. نتیجه انتخابات آمریکا یا اسرائیل نباید متغیری مبنایی در سیاست ایران باشد. در این چارچوب، تکیه صرف بر ابزار نظامی برای مدیریت تقابل کافی نیست و باید ابعاد سیاسی، اقتصادی، اطلاعاتی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی نیز در برنامه‌ریزی لحاظ شوند. تغییرات منطقه، از جمله تحولات مربوط به لبنان، عراق و یمن، بر محیط راهبردی ایران اثرتگذارند و بنابراین، سیاست منطقه‌ای باید با شرایط جدید سازگار شود. بر این اساس، راهبرد ایران باید از یک سو توانایی استفاده از فرصت‌های سیاسی ایجادشده بر اثر انتخابات را داشته باشد و از سوی دیگر، به تداوم احتمالی تقابل و ضرورت تاب‌آوری داخلی توجه کند. برنامه‌ریزی ایران نباید به انتظار برای تغییر دولت یا برآورد پیروزی یک حزب محدود شود.

(دکتر سروری؛ دکتر مجدی‌زاده)

۲ زمان‌بندی

زمان‌بندی برنامه‌ریزی در ایران ناظر به این دو رقابت باید دست‌کم تفاوت میان سه وضعیت را روشن کند: نخست، حالتی که کنگره جدید آمریکا هنوز آغاز به کار نکرده و کابینه فعلی اسرائیل نیز در موقعیت انتقالی قرار دارد؛ دوم، حالتی که تغییرات انتخاباتی آمریکا به محدودیت‌های نهادی تبدیل شده، اما اسرائیل همچنان با بن‌بست تشکیل دولت روبه‌روست؛ و سوم، وضعیتی که کابینه جدید اسرائیل تشکیل شده و ترکیب جدید کنگره آمریکا نیز فعالیت خود را آغاز کرده است. هدف این تفکیک، بلکه شناسایی شرایطی است که فرصت‌ها و محدودیت‌های سیاسی موجود تغییر می‌کند

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی؛ دکتر سید جعفر رضوی؛ دکتر کثیری نژاد)

۳ کلان‌نگری

باید به شدت از این فرضیه که پیروزی دموکرات‌ها به پایان تقابل یا تغییر بنیادین سیاست آمریکا در قبال ایران منجر می‌شود، پرهیز کرد. کنترل دموکرات‌ها بر مجلس نمایندگان یا حتی هر دو مجلس می تواند به افزایش فشار پارلمانی و محدودیت برخی گزینه‌های دولت بینجامد، اما تاختیار اجرایی رئیس جمهور را به‌طور کامل از میان نمی‌برد. بخشی از اهداف و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا فراتر از تغییر ترکیب کنگره یا جابه‌جایی شخصیت‌های اجرایی است. بنابراین، نتیجه انتخابات باید متغیری مهم در سناریونویسی باشد، نه مبنای اصلی و یگانه برای ارزیابی خطر. لازم است میان تأثیر انتخابات بر هزینه و امکان اقدام نظامی، از یک سو، و تأثیر آن بر اهداف بلندمدت سیاست آمریکا، از سوی دیگر، تمایز روشنی برقرار شود

(دکتر هوشمند؛ دکتر آشنا؛ دکتر اکوان؛ دکتر سروری؛ دکتر موسوی)

اگر هزینه‌های جنگ برای جامعه آمریکا محسوس‌تر شود، امکان افزایش فشار سیاسی بر دولت و دشوارترشدن توجیه عملیات گسترده وجود خواهد داشت.ی بررسی فضای سیاسی آمریکا و نشانه‌های افزایش یا کاهش مخالفت با جنگ باید در کنار برآوردهای نظامی و انتخاباتی انجام شود. این نگاه بر لزوم توجه هم‌زمان به سیاست داخلی و تصمیم‌های خارجی تأکید می‌کند

(دکتر عباسی؛ دکتر هوشمند)

در خصوص اسرائیل نیز ارزیابی ایران بر تفاوت میان اهداف و ابزارهای تقابل متمرکز باشد. تغییر نخست‌وزیر نباید به‌عنوان نشانه قطعی کاهش تهدید در نظر گرفته شود؛ لازم است رویکردهای امنیتی و ابزارهای مورد تأکید هر ائتلاف، جداگانه بررسی شوند. ازاین‌رو، نوع کابینه آینده و توانایی آن برای حفظ ائتلاف باید به‌عنوان متغیرهایی مستقل لحاظ شوند. در چنین وضعیتی، باید به پنجره فرصت تشکیل کابینه توجه شود. ممکن است تغییرات سیاسی هنوز به تغییر واقعی در ساختار تصمیم‌گیری تبدیل نشده باشد و برای ارزیابی خطر باید به زمان استقرار نهادهای جدید، ترکیب کابینه موقت و امکان تأخیر یا شکست در تشکیل ائتلاف توجه کرد. **(دکتر براتی؛ دکتر کثیری‌نژاد)**

از همین منظر، در خصوص تحولات منطقه نیز باید گفت که حتی اگر انتخابات فرصتی برای کاهش موقت فشار ایجاد کند، سیاست منطقه‌ای باید به‌گونه‌ای طراحی شود که در برابر تغییرات بعدی نیز قابلیت انطباق داشته باشد. در همین راستا، سیاست ایران باید علاوه بر شناخت آرایش حزبی و ائتلاف های انتخاباتی، به تحولات گسترده‌تر در زمینه نظم بین‌المللی مانند جنگ اوکراین و یا تقابل آمریکا و چین، ابزارهای فشار و امکان تداوم آن در دوره‌های بعدی سیاسی در آمریکا و اسرائیل نیز کند. پس انتخابات باید در چارچوبی بزرگ‌تر از تغییر موقت بررسی شود؛ چارچوبی که هم تغییرات فوری و هم روندهای بلندمدت را در بر گیرد. **(دکتر سروری؛ دکتر مجدی‌زاده)**

۴ دیپلماسی

اگر هدف، دستیابی به توافقی برای پایان‌دادن به منازعه باشد، صرف افزایش فشار کافی نیست؛ باید راهی نیز وجود داشته باشد که طرف مقابل بتواند نتیجه توافق را به‌عنوان دستاورد سیاسی عرضه کند. ، فشار و امکان توافق دو عنصر مرتبط‌اند. فشار می‌تواند انگیزه‌ای برای تغییر محاسبات ایجاد کند، اما اگر امکان خروج سیاسی وجود نداشته باشد، افزایش فشار ممکن است به‌جای عقب‌نشینی، تشدید تقابل را در پی داشته باشد. در مقابل، ارائه پیشنهاد توافق بدون وجود اهرم مؤثر نیز ممکن است به این نتیجه بینجامد که طرف مقابل با افزایش دوباره فشار می‌تواند امتیازهای بیشتری کسب کند. این توصیه بر ضرورت پیوند فشار و دیپلماسی دلالت دارد؛ اما نباید آن را به فرمولی قطعی برای رفتار ترامپ تبدیل کرد. امکان توافق ممکن است با مقاومت برخی جریان‌های مستظهر به پشتیبانی لابی صهیونیسم روبه رو شود. ازاین‌رو، پیشنهاد سیاستی این است که امکان‌های دیپلماتیک در کنار شناخت دقیق موانع داخلی آمریکا بررسی شود و توافق احتمالی تنها بر اساس اظهارات یک مقام یا یک مقطع انتخاباتی ارزیابی نشود. **(دکتر علمشاهی؛ دکتر موسوی)**

پژوهش

ایجاد ظرفیت پژوهشی مستقل، آموزش زبان عبری و شکل‌گیری برنامه‌های دانشگاهی تخصصی به تولید دانش دست‌اول درباره ساختار سیاسی، احزاب و روندهای جامعه اسرائیل می‌انجامد. اتکا به ترجمه‌های پراکنده یا فعالیت کارشناسانی که آموزش تخصصی مرتبط ندارند، برای ایجاد ظرفیت پایدار کافی نیست. در چارچوب سیاست‌گذاری ایران، این پیشنهاد به ضرورت تقویت توان تحلیل مستقل از تحولات کنست و شناخت دقیق‌تر جریان‌های سیاسی اسرائیل اشاره دارد. این توصیه با ضرورت رصد مستقل انتخابات آمریکا نیز قابل جمع است. تفاوت میان مدل‌های پیش‌بینی، فاصله نامزدها در ایالت‌های رقابتی و اندازه اکثریت احتمالی در سنا می‌تواند پیامدهای متفاوتی ایجاد کند. بنابراین، سیاست‌گذاری باید بر تحلیل چندسناریویی و بازبینی منظم برآوردها تکیه کند، نه بر یک نظرسنجی یا یک پیش‌بینی منفرد. در هر دو رقابت، کیفیت تحلیل به شناخت ساختار انتخاباتی، ترکیب احزاب، محدودیت‌های نهادی و تفاوت میان نتیجه رأی‌گیری و شکل گیری دولت وابسته است.

(دکتر هوشمند؛ دکتر کیانی؛ دکتر مجیدی؛ دکتر کثیری‌نژاد)

۱۵ سخن پایانی

- در نهایت، پیام محوری این گزارش آن است که سیاست ایران نباید به انتظار برای پیروزی یک حزب در واشنگتن یا شکست یک نخست‌وزیر در اسرائیل محدود شود. انتخابات می‌تواند فرصت‌هایی برای افزایش هزینه سیاسی جنگ، ایجاد فشار نهادی و تغییر در محاسبات طرف مقابل فراهم کند؛ اما بهره‌گیری از این فرصت‌ها مستلزم شناخت دقیق ساختار قدرت، توجه به دوره‌های انتقالی، پرهیز از خوش‌بینی قطعی به تغییر دولت‌ها و آمادگی برای تداوم تقابل است. نتیجه انتخاباتی مطلوب برای ایران، اگر به تغییر واقعی در محاسبات و رفتار طرف مقابل منجر نشود، به‌تنهایی تضمین‌کننده کاهش خطر نخواهد بود. از این رو، ارزیابی انتخاباتی باید با سیاست‌گذاری مبتنی بر سناریو، تقویت تاب‌آوری و پیگیری مسیرهای دیپلماتیک و مدیریت بحران همراه شود.